

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده هنر ادیان و تمدنها
گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی

مطالعه و بررسی سوگ و عناصر ساختاری آن در ایل بختیاری

استادان راهنما:

دکتر بهار مختاریان

دکتر عباس قنبری عدیوی

پژوهشگر:

زینب رزازی

شهریورماه ۱۳۹۱

اظهارنامه دانشجو:

موضوع پایان نامه: مطالعه و بررسی سوگ و عناصر ساختاری آن در ایل بختیاری

استاد راهنما: خانم دکتر بهار مختاریان-آقای دکتر عباس قنبری عدیوی

اینجانب زینب رزازی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش چوب دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۷۱۱۵۰۲۱۱۴ گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می‌باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به‌علاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به‌طور کامل رعایت کرده‌ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها
گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش چوب آقای/خانم زینب رزازی با عنوان:

مطالعه و بررسی سوگ و عناصر ساختاری آن در ایل بختیاری

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه..... به تصویب نهایی رسید

- ۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا
- ۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا
- ۳- استاد مشاور اول پایان نامه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا
- ۴- استاد مشاور دوم پایان نامه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا
- ۵- استاد داور داخل گروه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا
- ۶- استاد داور خارج از گروه آقای دکتر با مرتبه علمی امضا

مهر و امضای مدیر گروه

سپاسگزاری:

سپاس به حضور همه کسانی که اشتیاق آموختن و شکوفا شدن را در وجودم شعله ور کردند

پدر و مادر عزیزم

اساتید و معلمان بزرگوایم

تقدیم به:

بهترین یار و همراه روزهای سخت زندگی ام
همسر مهربانم

برای شناخت آیینها، شناخت اسطوره ها و نظامهای نمادینی که میان عناصر سازنده آیین وجود دارد لازم است. آیین های سوگواری در شمار مهم ترین نموده های هویت اجتماعی اقوام قرار می گیرند. این آیین ها نشان می دهند که هرچند خاستگاه اصلی آن ها فراموش شده است اما در میان جوامع حضور دارند. قوم بختیاری به عنوان یکی از اقوام کهن ایرانی میراث دار اساطیر، باورها و رسوم آیینی هندو اروپایی می باشد که این باورها را به خوبی تا امروز حفظ کرده و در مراسم سوگواری خود نمایش می دهد.

این پژوهش به شیوه مطالعه کتابخانه ای و میدانی ، و با روش مقایسه داده ها انجام شده و به دنبال مطالعه سوگ و عناصر ساختاری آن در قوم بختیاری است که آیا این مولفه ها تاثیر آیینهای باستانی و باورهای کهن هستند؟ آیا این آیین ها با ویژگیهای فرهنگی قوم بختیاری نیز وابستگی دارند؟

از مطالعه عناصر سازنده آیینهای سوگ نتیجه می گیریم که رفتار های آیینی که در خلال مراسم اتفاق می افتند نه تنها ادامه دهنده سنت های کهن است بلکه هرکدام بیانگر اعتقادی عمیق و باوری کهن است که مربوط به اساطیر و باورهای باستانی قوم بختیاری است. بسیاری از این آیینها باز مانده رسوم سکایی در ایران است.

کلیدواژه ها:

سوگ، نماد، اسطوره ، آیین، قوم بختیاری

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار

| | |
|----------------------------------------------------------|----|
| ۱- فصل اول - کلیات تحقیق..... | ۱ |
| ۱-۱- مقدمه..... | ۲ |
| ۲-۱- بیان مسأله..... | ۲ |
| ۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش..... | ۳ |
| ۴-۱- اهداف پژوهش..... | ۳ |
| ۵-۱- چهارچوب نظری پژوهش..... | ۴ |
| ۶-۱- روش پژوهش..... | ۴ |
| ۷-۱- قلمرو مکانی پژوهش..... | ۵ |
| ۸-۱- قلمرو زمانی پژوهش..... | ۵ |
| ۹-۱- ابزار گردآوری داده ها..... | ۵ |
| ۱۰-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها..... | ۵ |
| ۱۱-۱- محدودیت پژوهش..... | ۵ |
| ۱۲-۱- خدمات پژوهش..... | ۶ |
| ۲- فصل دوم - درآمدی بر سوگ..... | ۸ |
| ۱-۲- سوگ و فرهنگ..... | ۹ |
| ۲-۲- سوگ و تدفین در گستره جهانی..... | ۱۰ |
| ۳-۲- مرگ در بین النهرین..... | ۱۲ |
| ۴-۲- مرگ در عیلام..... | ۱۳ |
| ۱-۴-۲- مراسم تدفین در عیلام میانه..... | ۱۵ |
| ۳- فصل سوم - سوگ در ایران باستان..... | ۱۸ |
| ۱-۳- مرگ و تدفین در ایران باستان..... | ۱۹ |
| ۲-۳- سوگ و سوگواری در متون باستانی..... | ۲۰ |
| ۱-۲-۳- سوگ و سوگواری در متون فارسی باستان و میانه..... | ۲۰ |
| ۲-۲-۳- سوگ و سوگواری در منابع اسلامی (شاهنامه و...)..... | ۲۳ |
| ۱-۲-۲-۳- از بلندی به زیر آمدن..... | ۲۴ |

| | |
|----|---------------------------------------------------------|
| ۲۴ | آتش افروختن ۲-۲-۲-۳ |
| ۲۵ | رفتار های مرتبط با سوگ ۳-۲-۲-۳ |
| ۲۶ | روشهای تدفین در میان اقوام مختلف ایران باستان ۳-۳ |
| ۳۱ | سیاوش کیست ۴-۳ |
| ۳۱ | سیاوش به روایت اوستا ۱-۴-۳ |
| ۳۲ | سیاوش به روایت متون پهلوی ۲-۴-۳ |
| ۳۳ | سیاوش به روایت شاهنامه ۳-۴-۳ |
| ۳۴ | سوگ سیاوش ۴-۴-۳ |
| ۳۵ | آثار سیاوشان در یافته های باستان شناسی ۵-۴-۳ |
| ۳۶ | جایگاه سیاوش در اساطیر ۶-۴-۳ |
| ۳۹ | فصل چهارم - سوگ نزد قوم بختیاری ۴-۴ |
| ۴۰ | تاریخ بختیاری ۱-۴ |
| ۴۲ | جغرافیای منطقه ۱-۱-۴ |
| ۴۳ | جامعه بختیاری ۲-۱-۴ |
| ۴۴ | جامعه و نظام مدیریت آن در ایل بختیاری ۳-۱-۴ |
| ۴۶ | مراسم سوگ بختیاری ۲-۴ |
| ۵۰ | ورود مردان به مراسم ۱-۲-۴ |
| ۵۱ | ورود زنان به مراسم ۲-۲-۴ |
| ۵۳ | مراسم سنتی سوگ ۳-۲-۴ |
| ۵۶ | مافگه ۴-۲-۴ |
| ۵۷ | کتل ۵-۲-۴ |
| ۵۸ | طلسم ۶-۲-۴ |
| ۶۰ | فصل پنجم - عناصر شنیداری ۵-۶۰ |
| ۶۱ | موسیقی ۱-۵ |
| ۶۱ | مقام ۲-۵ |
| ۶۲ | موسیقی مقامی بختیاری ۳-۵ |
| ۶۲ | تقسیم بندی موسیقی بختیاری ۴-۵ |
| ۶۳ | موسیقی عزا ۵-۵ |
| ۶۳ | موسیقی سازی ۱-۵-۵ |
| ۶۴ | موسیقی چپی ۲-۵-۵ |
| ۶۴ | سازهای موسیقی چپی ۳-۵-۵ |

| | |
|----|-------------------------------------|
| ۶۵ | ۴-۵-۵-مقام های چپی |
| ۶۵ | ۶-۵- موسیقی آوازی |
| ۶۵ | ۱-۶-۵- سوگ آوازاها |
| ۶۶ | ۲-۶-۵- زمان اجرای سوگ آواز |
| ۶۷ | ۳-۶-۵- اجراکنندگان سوگ آواز |
| ۶۷ | ۴-۶-۵- تعداد سوگینه خوان |
| ۶۸ | ۶- فصل ششم - عناصر ادبی |
| ۶۹ | ۱-۶- بررسی عناصر ادبی سوگ |
| ۷۰ | ۲-۶- سوگ آوازاها |
| ۷۱ | ۳-۶- در سوگ زن ها |
| ۷۲ | ۴-۶- در سوگ مردان |
| ۷۲ | ۵-۶- در سوگ افراد متقی و عابد |
| ۷۴ | ۷- فصل هفتم - عناصر نمادین |
| ۷۷ | ۱-۷- فقره های نمادین |
| ۷۷ | ۱-۱-۷- اشیا نمادین |
| ۷۷ | ۱-۱-۱-۷- آتش |
| ۷۸ | ۲-۱-۱-۷- کتل |
| ۷۹ | ۳-۱-۱-۷- سیاه چادر |
| ۸۰ | ۴-۱-۱-۷- اسب |
| ۸۳ | ۵-۱-۱-۷- شیر سنگی |
| ۸۵ | ۲-۷- اعمال نمادین |
| ۸۵ | ۱-۲-۷- ویله ها |
| ۸۶ | ۲-۲-۷- حرکات دست |
| ۸۸ | ۳-۲-۷- بریدن گیسو |
| ۸۹ | ۴-۲-۷- وارونه کردن ابزار کار |
| ۹۰ | ۵-۲-۷- تابوها |
| ۹۱ | ۸- فصل هشتم - نتیجه گیری |
| ۹۵ | منابع |

فهرست عکسها

| | |
|------|------------|
| صفحه | عکس |
| ۳۶ | عکس (۳-۱) |
| ۵۲ | عکس (۴-۱) |
| ۵۳ | عکس (۴-۲) |
| ۵۳ | عکس (۴-۳) |
| ۵۴ | عکس (۴-۴) |
| ۵۵ | عکس (۴-۵) |
| ۵۵ | عکس (۴-۶) |
| ۵۶ | عکس (۴-۷) |
| ۵۷ | عکس (۴-۸) |
| ۵۷ | عکس (۴-۹) |
| ۵۸ | عکس (۴-۱۰) |
| ۸۰ | عکس (۷-۱) |
| ۸۲ | عکس (۷-۲) |
| ۸۲ | عکس (۷-۳) |
| ۸۳ | عکس (۷-۴) |
| ۸۷ | عکس (۷-۵) |
| ۸۷ | عکس (۷-۶) |
| ۸۷ | عکس (۷-۷) |
| ۸۷ | عکس (۷-۸) |

٨٨عكس (٧-٩)

٨٨عكس (٧-١٠)

پیشگفتار

فرهنگ کلیتی است تفکیک ناپذیر که عناصر مختلف تشکیل دهنده آن وابستگی متقابل دارند. اشیاء ساخته شده، گروه‌های سازمان یافته و نمادگرایی سه بعد فرآیند فرهنگی بشمار می‌آیند که بایکدیگر رابطه تنگاتنگ دارند (مالینوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). در واقع فرهنگ در برگیرنده آشکارترین جنبه‌های رفتار انسانی بوده دارای ابعاد مادی و معنوی است (همان ۲۳ و ۵۴).

واژه فرهنگ یا culture از دو قسمت تشکیل شده است که قسمت اول آن به معنای آیین است. یعنی نظامی یا مجموعه‌ای از عبادات دینی و تشریفات مذهبی که مختص یک ایزد یا روان است (Morris, 1970: 321). واژه Ritual به معنای مناسک یا آیین از Rite گرفته شده است و به معنای دستور انجام مراسم مذهبی یا رسمی به کار می‌رود. (همان، ۱۱۲۱). این واژه که ریشه‌ای دینی دارد به مجموعه‌ای از اعمال تکرار پذیر که برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی یا با حرکات کاملاً نمادین انجام می‌گیرد اطلاق می‌شود.

آیینها و اسطوره‌ها به دلیل اینکه پدیده‌ای فرهنگی محسوب می‌شوند بنا به گفته مالینوفسکی به یکدیگر وابسته هستند (مالینوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). ارتباط میان اسطوره و آیین به عنوان دو پدیده فرهنگی به واسطه نظریه اسطوره - آیین مطرح می‌شود. این نظریه بیان می‌دارد که اسطوره‌ها و آیینها بدون یکدیگر نمی‌توانند وجود داشته باشند (قدیمی: ۱۳۹۰). اسمیت آیین‌ها را مقدم بر اسطوره می‌داند چرا که از نظر او آیین ثابت است و لازم الاجرا ولی اسطوره قابل تغییر است و در اختیار پرستندگان و بستگی به نظر آنان دارد (Smith 1998/28). از سوی دیگر تمام کارهای عبادتگر باستانی بدنه‌ای مادی دارد که خدایان و انسان‌ها را در کنار هم در روابطی مستحکم و خاص قرار می‌دهد از این رو مکان‌های خاص، اشیای خاص و حتی جانورانی از نوع مقدس شمرده می‌شوند و این تقدیس به واسطه رابطه نزدیکی است که با خدایان برقرار می‌کند و این دریافت نقش عمده‌ای در پیشرفت همه‌ی نهادهای دینی ایفا می‌کند (قدیمی ۱۳۹۰). به عقیده «فریز»^۱ آمیختن اسطوره و آیین به معنای دین و جادو است. از نظر فریز اسطوره بر آیین تقدم دارد و مانند «تایلر»^۲ معتقد است که اسطوره جهان را توضیح می‌دهد اما برای او توضیح معنای جهان همان کنترل جهان است (segal 1998/4). در این میان برخی نیز مانند «جین هریسون»^۳ معتقد هستند که اسطوره و آیین با هم ایجاد شده‌اند و این آیین مقدم بر اسطوره نیست. از نظر هریسون آیین اظهار احساس است، آن چیزی که در عمل حس می‌شود و اسطوره ریشه در کلمات یا اندیشه‌ها دارد (Harrison 1998/7).

از نظر مالینوفسکی اسطوره به عنوان مهمیز زدن به جهت اطاعت از قوانین، رسوم و نهادهای اجتماعی به کار می‌رود. اسطوره‌ها بر پیدایش (منشاء) پدیده‌های اجتماعی امروزی که به دوره‌ی باستان بر می‌گردند تاثیر می‌گذارد.

James Frazer-^۱
Edward Tylor-^۲
Jane Harrison-^۳

گذارند و به این پدیده ها وصله ی سنت می چسبانند. از نظر او اسطوره نه تنها بالاتر از یک نیروی فرهنگی است بلکه روایت نیز هست به همین جهت جنبه های ادبی مربوط به خود را دارا است. اسطوره ریشه های آینده حماسه، رمانس و تراژدی را در بردارد و به واسطه ی نبوغ خلاقه ی مردم اسطوره در این ژانرها و نیز هنر تمدن به کار می رود.

از نظر او اصولا اسطوره پایه گذار یک منشور جامعه شناسی است. اسطوره به عنوان بیانی از حقیقت بسیار کهن که هنوز در زندگی روزانه ی امروز زنده است قضاوتی از ارزش های اخلاقی، نظم اجتماعی و یا باور جادویی را فراهم می آورد. بنابراین اسطوره نه داستان صرف است نه شکلی از دانش و نه شاخه ای از هنر یا تاریخ و نه داستانی توصیفی. اسطوره مملو از کارکرد منحصر به فرد است که با ماهیت سنت، و استمرار فرهنگ؛ با ارتباط میان پیری و جوانی، و با گرایش بشر به گذشته به صورت تنگاتنگ پیوند دارد. بنابر این اسطوره یک عامل حیاتی برای تمام فرهنگ است چراکه دائما تجدید می شود. هر تغییر تاریخی اسطوره ی خود را خلق می کند که به هر حال به صورت غیر مستقیم با واقعیت تاریخی در ارتباط است (Malinowski 1998/127_8).

میرچا الیاده کارکردهایی چند برای اسطوره قائل می شود و اسطوره را در خدمت توضیح مبداء جهان می شمارد به همین جهت همانند مالینوفسکی تقدس زمان باستان را برای آنان قائل است. از نظر او آیین ها از یک سوم متعلق به پدیده های بسیاری هستند که بوسیله اسطوره قضاوت می شوند از سوی دیگر اسطوره خود به صورت آیینی نمایش داده می شود. وقتی چنین می شود، اسطوره همچون ماشین زمان عمل می کند که فرد را به گذشته، به زمان مبداء (آغاز) توضیح و قضاوت پدیده ها می برد (Eliade 1998/180). در واقع از نظر الیاده اسطوره نقل کننده ی سرگذشتی قدسی و مینوی بوده، واقعه ای است که در زمان آغازین رخ داده است. بنابراین اسطوره همواره متضمن روایت یک خلقت است و از آنجایی که اسطوره اعمال موجودات فوق طبیعی و تجلی نیروهای مینوی آن ها را شرح میدهد خود سرمشق و الگوی نمونه ی همه کاره و فعالیت های بشری می گردد (الیاده ۱۳۸۶، ۱۴). او به عنوان اندیشمندی که دیدگاهی پدیدارشناسانه نسبت به اسطوره دارد اسطوره و نماد را مهمتر از آیین می داند و معتقد است آیین قادر به توضیح نماد نیست (مختاریان ۱۳۸۹).

در این میان انسان شناسان نمادین در رویکرد نمادشناختی چنین عنوان کردند که فرهنگ مجموعه ای از معانی است که در خلال نمادها و نشانه ها درک می شود و برای درک آن ابتدا به سرغ بررسی نمادها رفت (فکوهی ۲۵۴، ۱۳۸۱). بحث در رویکرد نمادشناختی آن است که شبکه های معنایی چگونه از خلال نمادها شکل می گیرند، چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و چه فرآیندهایی را برای درک محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد می نمایند. اعتقاد ایشان بر آن است که نمادها به تنهایی دارای معنایی مستقل هستند و در زمان قرار گرفتن در مجموعه های ساختاری بزرگ تر شکل منفعل ندارند بلکه در آن مجموعه ها نیز اثر می گذارند. باید توجه داشت که در رویکرد نمادشناختی فرآیندهای دینی و به ویژه مناسک مورد نظر است چراکه در مناسک فرد در شرایطی تاثرگونه قرار می گیرد که توضیح نشانه ها را ساده تر می کند. (همان ۲۵۵_۶).

نماد^۴ چیزی است که چیز دیگری را با تداعی در معنی، همانندی یا قرارداد نشان می دهد به ویژه زمانی که یک شیء یا مادیت نشان دهنده ی امری غیر قابل رویت باشد (واژه لاتین Symbolum به معنای نشانه و علامت که از ریشه یونانی Sumbolon به معنای نشانه ی شناسایی گرفته شده است ، از Sumballein به معنی سر هم کردن ، همانند کردن: sun_ با هم ballein+ به زمین زدن (انداختن) (Morris 1970/1302) . معنای ضمنی نماد از آنجا نشئت گرفته است که در یکی از آیین های یونانی کوزه ای را چند تکه می کردند و میان گروهی از افراد هم آیین پخش می نمودند. هنگامی که گروه گردهم می آمد، هریک از اعضاء تکه ی کوزه ی خود را می آورد، به هم متصل می کردند و از این طریق عضویت خود را در آن انجمن نشان می دادند. بعبارتی هر تکه از کوزه نماد آن فرد بشمار می آمد. افلاطون در رساله ی ضیافت خود واژه سمبل را به معنی دونیمه که با هم کل را می سازند به کار برده است. در انجمن های سری فیثاغورثیان نیز این واژه در معنی «نشانه ی شناخت، واژه ی شناسایی» به منظور شناخت اعضای انجمن به کار می رفته است (مختاریان ۱۳۸۹).

نماد نشانه ای است که بیشتر از محتوای ذاتی خود بیان می کند در واقع نماد مفهومی است که نشان دهنده و در برگیرنده الگوی وسیع تر معنایی است (Morgan 1983/4). در رویکرد نمادشناختی، نماد هر چیزی می تواند باشد: یک عمل، یک شیء، الگویی از صداها، مراسم سوزاندن جنازه، جمع شدن افراد برای یک خوراک و... در واقع نزد پژوهشگران این حوزه نماد وسیله دستیابی به معنا محسوب می گردد (Shweder 2010/90).

از نظر کاسیرر روح یک قوم در اسطوره های آن نهفته است و این اسطوره ها به نوعی کلید فرهنگ جمعی آن مردم و ساختار ذهنی آنان هستند (کاسیرر ۱۶، ۱۳۸۷). ارتباط اسطوره و آیین با فرهنگ از نوع جزء به کل است بنا بر این آشنایی با اسطوره ها و آیین های مرتبط با آن ها برای درک هر چه بهتر ساختارهای اجتماعی_ دینی و نیز نهادهای تشکیل دهنده ی فرهنگ مدد رسان خواهد بود چرا که اسطوره ها و آیین ها در زمره بخش معنوی یا در یک کلام ایدئولوژی فرهنگ قرار می گیرند «فرهنگی که از نظرگیرتنظامی از مفاهیم است که در قالب نمادها بیان می شود و از خلال نمادهای خود جهان را در ذهن انسان ها معنی دار کرده و آن ها را قادر به شناخت و درک آن می نماید و به انسان ها امکان می دهد بایکدیگر ارتباط برقرار کنند» (فکوهی ۲۵۶، ۱۳۸۱).

در این راستا به منظور آشنایی با آیینهای سوگ در ایل بختیاری، با شناسایی خاستگاه این قوم به عنوان یکی از اقوام کهن ایرانی، عناصر و مولفه های ساختار سوگ را بررسی می نماییم. در این پژوهش تلاش بر این است تا با شناخت عناصر و رفتارهای نمادینی که در خلال آیین سوگ در نزد قوم بختیاری اتفاق می افتد، و همچنین اسطوره ها و باور های کهن که در این قوم وجود دارد به ریشه یابی آنها پرداخته و شبکه معنایی موجود در بین عناصر، رفتارها و آیینهای سوگ در نزد این قوم را کشف نماییم. به این منظور ابتدا در این پژوهش مقوله ی سوگ و تدفین در فرهنگ جهانی و بعد تمدن های باستانی از نظر گذرانده و آیین های سوگ در ایران باستان مورد مطالعه قرار می

۴ - symbol

گیرد. سپس این آیینها در قوم بختیاری مطالعه می شوند. عناصر سازنده ی سوگ نزد قوم بختیاری در سه دسته ی عناصر شنیداری، ادبی و نمادین، مورد بررسی قرار می گیرند و تلاش می شود تا ارتباط این نمادها و آیین ها با اسطوره ها و آیین های مرتبط با ایزدان گیاهی و حیوانی توضیح داده شود.